

ایرانیان و نقش آنان در دوران ظهور

علی کورانی ترجمه: عباس جلالی

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشور ایران در تصور غربیها پایگاهی حیاتی، آن هم در مرز شوروی و در قلب جهان اسلام به حساب می‌آمد و از دیدگاه مسلمانها کشوری اسلامی و اصیل به شمار می‌رفت که «شاه» سر سپرده غرب و هم‌پیمان اسرائیل بر آن حکومت می‌کرد و برای خوش خدمتی به اربابانش، کشورش را درست در اختیار و خدمت آنان قرار داده بود.

علاوه بر آنچه که در تصور دیگران بود، در ذهن یک فرد شیعه مانند من، کشوری بود که در آن مرقد مطهر امام رضا، علیه‌السلام، و حوزه علمیه قم وجود داشت، کشوری دارای تاریخی اصیل و ریشه‌دار در تشیع و علما و اندیشمندان شیعه و تالیفات گرانبها، زمانی که به روایات وارده در خصوص مدح و ستایش ایرانیان بر می‌خوریم و آنها را بررسی می‌کنیم، به یکدیگر می‌گوییم: این روایات مانند روایت‌هایی است که مدح و ستایش و یا مذمت اهل یمن، و یا بنی خزاعه را می‌نماید. از این رو هر روایتی که مدح و ستایش و یا مذمت گروهها و قبیلهها و بعضی کشورها را در بر دارد، نمی‌تواند بدون اشکال باشد. گرچه این روایات صحیح و درست می‌باشند، اما مربوط به تاریخ گذشته و احوال مختلف ملت‌های صدر اسلام و قرنهای اولیه آن است.

این طرز فکر رایج بین ما بود، که امت اسلامی در حالتی جاهلان، فرمانبردار سلطه کفر جهانی و نوکران اوست، در بین ملت‌ها هیچ یک بر دیگری برتری ندارد و چه بسا همین ایرانیان مورد بحث، بدتر از سایر ملت‌ها بوده‌اند، به دلیل اینکه آنان طرفداران تمدنی کفر آمیز و برتری جوییهای ملی و نژادی بوده‌اند که سر سپردگانی چون شاه و اربابان غربی‌اش برای ایجاد چنین تز و طرز فکری و تربیت مردم ایران، بر همین روش پافشاری می‌کردند.

... تا اینکه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مسلمانان را در سطح جهان غافلگیر کرد و قلبهای غمگین آنان را چنان از خوشحالی و شادی سرشار نمود که در قرنهای گذشته بی‌سابقه بود، بلکه بالاتر، آنان تصور چنین پیروزی را نداشتند. این سرور و خوشحالی همه کشورها و ملت‌های مسلمان را در بر گرفت، از جمله مظاهر خوشحالی مردم، این بود که همه‌جا صحبت از فضل و برتری ایرانیان و طرفداران سلمان فارسی بود، بطور مثال، یکی از صدها عنوانی که در غرب و شرق جهان اسلام منتشر و پخش شد، عنوان و تیتراژ مجله تونسسی «شناخت» بود که در آن آمده بود: «پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، ایرانیان را جهت رهبری امت اسلامی برمی‌گزیند» این نوشته‌ها، خاطرات ما را درباره ایرانیان تجدید کرد و دریافتیم روایاتی که از پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، درباره آنان وارد شده است تنها مربوط به تاریخ گذشته آنها نبوده، بلکه ارتباط به آینده نیز دارد...

ما با مراجعه به منابع و تفسیر و بررسی روایات مربوط به ایرانیان، به این نتیجه رسیدیم که این روایات و اخبار بیش از آنکه مربوط به گذشته باشد، مربوط به آینده است و جالب اینکه اینگونه روایات در منابع حدیث اهل سنت بیشتر از شیعه وجود دارد.

چه می‌توان کرد، زمانی که در روایات مربوط به حضرت مهدی، علیه‌السلام، و زمینه سازی حکومت آن بزرگوار، ایرانیان و یمنیها دارای سهم بسزایی بوده و کسانی هستند که به مقام ایجاد زمینه مناسب برای ظهور آن حضرت و شرکت در نهضت وی نائل می‌شوند... و همچنین افراد شایسته‌ای از مصر و مؤمنانی حقیقی از شام و گروههایی از عراق... نیز از این فیض بهره‌مند می‌شوند و همینطور سایر دوستداران آن حضرت که در گوشه و کنار جهان اسلام پراکنده هستند، از این موهبت برخوردار می‌شوند، بلکه آنان از یاران ویژه و وزرا و مشاورین آن حضرت، ارواحنفا، می‌باشند.

ما اینک، روایاتی را که پیرامون ایرانیان بطور عموم وارد شده است مورد بررسی قرار داده و سپس به نقش آنان در زمان ظهور می‌پردازیم.

آیات و اخبار در ستایش ایرانیان

روایاتی که درباره ایرانیان پیرامون آیاتی که تفسیر به ایرانیان شده وارد گردیده است، تحت این نه عنوان است:

الف. طرفداران سلمان فارسی

ب. اهل مشرق زمین

ج. اهل خراسان

د. یاران درفشهای سیاه

ه. فارسیان

و. سرخ رویان

ز. فرزندان سرخ رویان

ح. اهل قلم

ط. اهل طالقان.

البته خواهید دید که غالباً مراد از این عناوین یکی است، اخبار دیگری نیز وجود دارد که با عبارتهای دیگری از آنان یاد کرده است.

۱. در تفسیر قول خدای سبحان: «ها انتم هولاء تدعون لتنفقوا فی سبیل الله فمنکم من یبخل و من یبخل فانما یبخل عن نفسه

والله الغنی وانتم الفقراء و ان تتولوا بستمبل قوما غیرکم ثم لایکونوا امثالکم». (۱)

اینک شما کسانی هستید که فراخوانده می‌شوید تا در راه خدا انفاق کنید، برخی از شما در انفاق بخل می‌ورزد و کسی که بخل

می‌کند و خداوند بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روگردان شوید خداوند گروهی را غیر از شما جایگزینتان می‌نماید و آنان مثل

شما نیستند.

صاحب کشف نقل کرده که از پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، درباره کلمه «قوم» که در آیه شریفه آمده است سؤال شد. سلمان فارسی

نزدیک پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، نشسته بود آن حضرت با دست مبارک خود به ران پای سلمان زد و فرمود:

«به خدایی که جان من در دست و قدرت اوست، اگر ایمان به کهکشانشا بستگی داشته باشد مردانی از فارس به آن دست

می‌یابند.» (۲)

به نقل صاحب «مجمع‌البیان» از امام باقر، علیه‌السلام، روایت شده که فرمود:

«ای اعراب، اگر روی برگردانید، خداوند گروه دیگری را جایگزین شما می‌گرداند یعنی ایرانیان»

و صاحب «المیزان» آورده که «درالمنثور» روایتی را عبدالرزاق و عبد بن حمید و ترمذی و ابن جریر و ابن ابی حاتم و طبرانی در

کتاب «اوسط» و بیهقی در کتاب «دلایل»... از ابوهریره نقل کرده است که وی گفت: پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، این آیه را «و ان

تولوا یستبدل قوما غیرکم، ثم لا یكونوا امثالکم» قرائت فرمود، عرض کردند یا رسول‌الله! اینها چه کسانی هستند که اگر ما

رویگردان شویم جایگزین ما می‌شوند؟ پیامبر اسلام، صلی‌الله‌علیه‌وآله، با دست مبارک به شانه سلمان فارسی زد و سپس فرمود:

«او و طرفداران او، به خدایی که جانم در دست قدرت اوست اگر ایمان بستگی به کهکشانشا داشته باشد مردانی از فارس (ایرانیان)

به آن دست می‌یابند.» (۳)

مانند این روایت به طرق دیگری از ابوهریره و همچنین از ابن مردویه از جابر بن عبدالله نقل شده است.

در این روایت دو معنا که همه بر آن اتفاق دارند، وجود دارد که عبارتند از:

۱. ایرانیان (فرس) خط و جناح دومی بعد از اعراب، برای به‌دوش کشیدن پرچم اسلام می‌باشند.

۲. آنان به ایمان دست می‌یابند هرچند از آنان دور و دسترسی به آن دشوار باشد.

چنانکه در همین روایت سه مطلب قابل بحث است:

اولاً: اینکه خداوند متعال اعراب را تهدید به جایگزینی ایرانیان نموده است، آیا مخصوص زمان نزول آیه در زمان پیامبر،

صلی‌الله‌علیه‌وآله، است و یا اینکه مربوط به همه نسلهاست، بگونه‌ای که دارای این معنی باشد: اگر شما (اعراب) از اسلام رویگردان

شوید در هر نسلی که باشد ایرانیان (فرس) را جایگزین شما می‌گرداند؟

ظاهر معنی این است که به حکم قاعده «مورد، مخصص نمی‌باشد» این نکته در همه نسلهای بعدی نیز استمرار دارد و آیات

مبارکه قرآن در هر طبقه و نسلی، نقش خورشید و ماه را دارند (یعنی در نورافشانی یکسان‌اند) چه اینکه این مطلب در روایات آمده

و مفسران نیز بر آن اتفاق نظر دارند.

ثانیا: حدیث شریف می‌گوید مردانی از فارس به ایمان دست‌خواهند یافت نه همه آنان، بدیهی است که این خود، ستایشی است

نسبت به افراد نابغه‌ای از بین آنها نه جمیع آنها.

اما ظاهر آیه شریف و روایت این است که هر دو، بطور عام ستایش از «فرس» می‌نمایند، چون در میان آنان کسانی هستند که به درجه دستیابی به ایمان و یا علم می‌رسند. بویژه با ملاحظه اینکه صحبت از گروهی است که بعد از اعراب حامل آیین اسلام هستند، بنابراین مدح و ستایشی که برای آنان به شمار آمده بدین جهت است که آنها زمینه مناسبی برای به وجود آمدن نوابغ خود می‌باشند و از آنان اطاعت و پیروی می‌کنند.

ثالثاً: آیا تاکنون رویگردانی اعراب از اسلام و جایگزین شدن «فرس» به جای آنان صورت گرفته است یا خیر؟

جواب: بر اهل دانش و علم، پوشیده نیست که مسلمانان امروز، اعم از عرب و غیر عرب از اسلام واقعی اعراض نموده و رویگردان شده‌اند. بدین ترتیب متأسفانه فعل شرط، در آیه شریفه «ان تتولوا؛ اگر رویگردان شوید» تحقق یافته و تنها جواب شرط، یعنی جایگزین شدن فرس به جای آنان باقی مانده است، در این زمینه هم با دقتی منصفانه می‌توان گفت که وعده الهی، در آستانه تحقق است.

بلکه، روایت بعدی که در تفسیر «نورالثقلین» آمده است دلالت دارد که این جایگزینی، در زمان بنی‌امیه حاصل شده است، چون زمانی که عربها متوجه مراکز و مناصب و مال‌اندوزی شدند، فرس (ایرانیان) به کسب علوم اسلامی روی آورده و از آنان سبقت گرفتند. از امام صادق، علیه‌السلام، منقول است که فرمود:

«قد والله ابدل خیرا منهم، الموالی».

سوگند به خدا که بهتر از آنها را جایگزین فرمود، یعنی عجم را.

گرچه تعبیر به «موالی» در آن روز شامل غیر فرس (ایرانیان) یعنی ترکان و رومیها که اسلام آورده بودند نیز می‌شده است، اما آنچه مسلم است «فرس» به عنوان مرکز ثقل، اکثریت آنان را تشکیل می‌داده‌اند. بویژه با توجه به شناخت امام صادق، علیه‌السلام، نسبت به تفسیری که پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، از آیه شریفه درباره «فرس» فرموده است.

۲. در تفسیر گفته خدای سبحان:

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین»
و آخرین منهم لما یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم». (۴)

اوست آنکه برانگیخت در بین درس نخوانده‌ها رسولی را از خودشان که آیات خدا را بر آنان می‌خواند و آنان را پاک می‌سازد و کتاب و حکمتشان می‌آموزد اگر چه قبلاً در گمراهی آشکاری بودند و افراد دیگری از ایشان که به آنان نپیوسته‌اند و اوست خدای عزیز و حکیم.

مسلم، در صحیح خود از ابوهریره روایت کرده که گفت: «ما حضور پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، بودیم که سوره مبارکه جمعه نازل شد و حضرت آن را تلاوت فرمود تا رسید به آیه «و آخرین منهم لما یلحقوا بهم» مردی از او سؤال کرد، یا رسول‌الله! اینان چه کسانی

هستند که هنوز به ما نپیوسته‌اند؟ حضرت پاسخ نفرمود: ابوه‌یریه گفت: سلمان فارسی نیز در بین ما بود پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، دست مبارکش را بر سر سلمان نهاد و فرمود: به خدایی که جانم در دست قدرت اوست اگر ایمان بستگی به کهکشانش داشته باشد مردانی از اینها (طرفداران سلمان) به آن دست خواهند یافت».

در تفسیر علی بن ابراهیم، ذیل آیه «و آخرین منهم لما یلحقوا بهم» آمده است که: «و افراد دیگری که به آنها نپیوسته‌اند» یعنی کسانی که بعد از آنان اسلام آورده‌اند. و صاحب «مجمع‌البیان» آورده است: آنان همه افراد بعد از اصحاب هستند تا روز قیامت، سپس گفته است که آنان عجمها و کسانی که به لغت عربی حرف نمی‌زنند می‌باشند چون پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، به سوی هر کسی که وی را مشاهده کرده و کسانی که بعدا می‌آیند، اعم از عرب و عجم برانگیخته و مبعوث شده است به نقل از سعید بن جبیر و نیز امام باقر، علیه‌السلام.

مطلق بودن کلمه «و آخرین منهم» اقتضا دارد که شامل همه طبقات و نسبهای بعدی از زمان پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، از عرب و غیرعرب شود، اما با مقایسه کلمه «امیین» و «آخرین» بهتر است که بگوییم مراد از «امیین» اعراب و از «آخرین» افرادی از غیرعرب که اسلام می‌آورند می‌باشد، چنانکه بعضی روایات اهل بیت، علیه‌السلام، گویای این مطلب است و صاحب «کشاف» نیز همین مبنا را پذیرفته است.

بنابراین، پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، که آیه شریف را به «فرس» تفسیر نموده است، در حقیقت منطبق بر مصداق مهمی برای کلمه «آخرین» و یا مهم‌ترین مصداق، از بین مصادیق آن می‌باشد، گرچه صرف تطبیق، باعث فضل و برتری بیشتر نمی‌گردد، اما چون پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، آنان را ستوده به اینکه آنان به ایمان و علم و یا اسلام هر چند دور و مشکل باشند نائل خواهند شد و از طرفی رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، در تفسیر هر دو آیه عمدا، عین گفته خود را تکرار می‌کنند و زدن آن حضرت بر شانه سلمان فارسی، دلیل روشنی بر این مدعی است.